



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۱۹-۱۴۲

تحلیل زبان‌شناختی «خروج امریکا از برجام» در گفتمان‌های دو شبکه «العربية» و «المنار»

رضاعلی قاسمی نسب^۱، علی ضیغمی^{۲*} سیدرضا میراحمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، ایران.

دریافت: ۹۷/۵/۲۸

پذیرش: ۹۷/۸/۲۲

چکیده

رسانه‌ها نمی‌توانند مخاطبان خود را وادار سازند که «چگونه» ببینند؛ اما می‌توانند با به‌کارگیری مهارت‌هایی، آن‌ها را ترغیب کنند که به «چه موضوعی» فکر کنند، به همین منظور با برجسته‌سازی پیام‌هایی که در راستای اهداف آن‌هاست، توجه مخاطبان را به آن موضوع جلب می‌کنند. برای برجسته‌سازی پیام در رسانه‌ها، تکنیک‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها، تکنیک‌های زبانی است. پژوهش حاضر به تحلیل زبان‌شناختی خروج امریکا از برجام در گفتمان‌های دو شبکه «العربية» عربستان و «المنار» لبنان با استفاده از الگوی ون‌دایک می‌پردازد. «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» تکنیک‌هایی هستند که این دو شبکه تلاش کردند با بهره‌گیری از آن، قوت گفتمان خود را برجسته کنند و درمقابل قوت غیر (دشمن) را به حاشیه ببرند و ضعف وی را برجسته کنند. داشتن ایدئولوژی متفاوت نسبت به برجام، معیار اصلی انتخاب این دو شبکه خبری بوده است. این شبکه‌ها تلاش کردند با استفاده از ابزارهای زبانی چون تکرار، مبالغه، تضاد، قصر و... به دنبال تأثیرگذاری بر مخاطب و اقناع وی باشند و به همین منظور با انتخاب دقیق حروف و واژگان به کار رفته در متن اخبار، واقعیت‌ها را به گونه‌ای دیگر نشان دهند و پیام پنهان مورد نظر خود را زیرکانه و غیرمستقیم به مخاطبان منتقل کنند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، برجام، ون دایک، العربية، المنار.

۱. مقدمه

روزانه هزاران رویداد خبری - که در ورای آن اهداف پنهان صاحبان رسانه‌ها نهفته است - به مخاطبان عرضه می‌شود. رسانه‌ها آینه‌ای نیستند که این رویدادها را بدون کوچک‌ترین دخل و تصرف به مخاطبان معرفی‌کنند؛ بلکه گاهی با افزودن یا کاستن چیزی به آن رویداد، واقعیت را بازسازی و این واقعیت دستکاری‌شده را که در ورای آن اهداف موردنظر صاحبان رسانه‌ها پنهان است، به مخاطبان عرضه می‌کنند. یکی از شیوه‌های رسانه‌ها برای تحقق این امر «برجسته‌سازی»^۱ است؛ یعنی رویدادی که اتفاق افتاده بزرگ‌تر از آنچه هست بازتاب داده شود. «حاشیه‌رانی»^۲ نیز یکی دیگر از شیوه‌های دستکاری رویدادها در رسانه‌هاست؛ یعنی رویداد کوچک‌تر از آنچه هست به مخاطبان عرضه شود. رسانه‌ها شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارند که یکی از این شیوه‌ها، استفاده از ظرافت‌های زبانی است.

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریهٔ ون دایک^۳ به بررسی چهار متن خبری که با خروج امریکا از برجام قرابت زمانی دارند، از شبکه‌های «العریه» عربستان و «النار» لبنان پرداخته است. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها با بهره‌گیری از دو اصل برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، معنای موردنظر خود را به مخاطبان عرضه می‌کنند.

اهمیت این پژوهش در آن است که با ذکر مصداق‌های عینی بهره‌گیری از زبان در راستای اهداف رسانه‌ای، این امکان را برای مخاطبان رسانه‌ها و به‌ویژه مدیران، سردبیران و خبرنگاران فراهم می‌کند تا در تحلیل و تفسیر خبری به لایه‌های پنهان، دقت بیشتری کنند و تحلیل دقیق‌تری از رویدادها ارائه دهند.

دو پرسش اصلی این پژوهش از این قرار است:

۱. دو شبکهٔ العریه و النار چگونه با برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، معنای پنهان موردنظر خود را به مخاطبان منتقل کرده‌اند؟

۲. این دو رسانه در گفتمان‌های خود از چه استراتژی‌های زبانی - با توجه به موضع ایدئولوژیک متفاوت - درخصوص اخبار مربوط به خروج امریکا از برجام بهره برده‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

درباره تحلیل گفتمان مقالات زیادی نوشته شده است؛ اما نگارندگان با پژوهشی مواجه نشدند که به تحلیل گفتمان خروج امریکا از برجام به‌ویژه در رسانه‌های عرب‌زبان پرداخته باشد. ازجمله پژوهش‌های مشابه که در آن به تحلیل گفتمان پرداخته شده، مقاله مظفری (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی بازتاب برجام درگفتمان‌های رقیب بر اساس الگوی رویکرد انتقادی فرکلاف»^۱ است. وی در این مقاله اشاره کرده است که رسانه‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا با توجه به موضع ایدئولوژیک خود از چه استراتژی‌های زبانی درخصوص برجام استفاده کردند تا از این طریق به تخریب گفتمان رقیب بپردازند و گفتمان خود را به‌عنوان گفتمان برتر به مخاطبان معرفی کنند.

بشیر در کتاب *قرائتی با تحلیل گفتمان* (۱۳۹۰) به تحلیل سیزده خبر مهم رسانه‌های جهان بر اساس الگوی فرکلاف پرداخته است. وی درمقاله دیگر خود با موضوع بیداری اسلامی و ایران‌هراسی به تحلیل گفتمان مطبوعات غربی پرداخته و نشان داده است که مطبوعات غربی از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنند تا در بین افکار عمومی، تصویری از ایران منزوی ترسیم کنند. سرابی و بهجتی (۱۳۹۵) نیز در مقاله خود به شباهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان خبری سایت‌های فارسی شبکه العربیه و BBC درباره اعتراضات مردم بحرین پرداخته‌اند.

نیک ملکی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با موضوع *تحلیل گفتمان اخبار شبکه‌های العالم والجزیره* نشان داد که این دو شبکه در پوشش خبری رویدادهای بحران عراق چه گفتمانی را بازخوانی می‌کنند.

آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)» تأکید می‌کنند با وجود ادعای بازنمایی بی‌طرفانه وقایع توسط خبرگزاری‌ها و مطبوعات مهم بین‌المللی، جریان‌های هدفمند از سازوکارهای زبانی و اجتماعی در مطالب منتشرشده توسط آن‌ها درباره پرونده اتمی ایران دیده می‌شود.

۳. تحلیل گفتمان و نظریه ون دایک

مأموریت تحلیل گفتمان عبور از لایه‌های سطحی زبان و رسیدن به لایه‌های زیرین آن است. شناخت معنای غیرآشکار متون خبری به درک بهتر این متون کمک می‌کند و سبب می‌شود مخاطب با نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر اخبار رسانه‌ها را پیگیری کند. تحلیل گفتمان برای نخستین بار از سوی زلیگ هریس^۵ به کار رفت (بهرام‌پور، ۱۳۸۹: ۸). از نظر پژوهشگر عرصه تحلیل گفتمان، عوامل مختلفی در تولید و انتقال معنا سهیم هستند که برخی از آن‌ها زبانی و برخی دیگر غیرزبانی هستند. «معنا و مفهوم محتوای کلام نتیجه عناصر درون‌زبانی (متنی) و برون‌زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) است که حاصل تعامل با یکدیگرند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵).

تئون ون دایک، استاد دانشگاه آمستردام هلند در دهه ۱۹۸۰، «هدف اصلی تحلیل گفتمان را آشنایی با شیوه‌های بازتولید روابط قدرت در سطح تحلیل گفتمان و آگاهی‌بخشی به جامعه، به منظور فائق آمدن بر تعصبات و نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند» (آقاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۵۶).

«ون دایک معتقد است رسانه‌ها با بازنمایی «خود و دیگری» یا «ما و آن‌ها» بر مخاطبان خود تأثیر می‌گذارند» (معتمدنژاد و مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

وی معتقد است «مثبت جلوه دادن خود و منفی جلوه دادن دیگری به صورت منفی، بر عقاید و نگرش‌های «ما» درباره «آن‌ها» در قلمرو اجتماعی بسیار تأثیرگذار است» (همان). گفتمان‌های قدرت نیز در چارچوب معیارها و بنابر هدف‌های مشخص خود به تولید و بازتولید نشانه‌هایی می‌پردازند و در این راستا «در تلاش هستند که این نشانه‌ها را تثبیت کنند و با استفاده از این منابع به سلطه خود مشروعیت بخشند» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). رسانه‌ها برای اجرای این شیوه‌ها تلاش می‌کنند تا با انتخاب حروف، واژگان و جمله‌ها و چینش هدفمند آن‌ها در کنار همدیگر، به صورت نامحسوس مفاهیم موردنظر خود را به مخاطب منتقل کنند.

۴. برجام

مذاکرات بلندمدت ایران و کشورهای گروه ۱+۵ بر سر برنامه هسته‌ای ایران سرانجام در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵م) به امضای یک توافق بین‌المللی در وین اتریش منجر شد که

به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) معروف است. شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۲۲۳۱ از این توافق حمایت کرد و پس از آن کشورهای امضاکننده برجام به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن موظف شدند.

با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، شمارش معکوس برای خروج این کشور از این معاهده بین المللی آغاز شد. ترامپ سرانجام در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ مه ۲۰۱۸) از برجام خارج شد. خروج ترامپ از برجام بازتاب گسترده ای در رسانه های جهان داشت؛ رسانه های مختلف تلاش کردند با برجسته سازی یا حاشیه رانی نقاط مثبت و منفی این اقدام رئیس جمهور آمریکا، پیام موردنظر خود را به مخاطبان عرضه کنند.

۵. تحلیل متون خبری شبکه العربیه

العربیه یک شبکه خبری سعودی است که «در سوم مارس ۲۰۰۳ پخش برنامه هایش را آغاز کرد» (بنین، ۱۴۳۵ق: ۵۰۰). این شبکه در رقابت با شبکه الجزيرة قطر که پیش از این در جهان - عرب به شهرت رسیده بود، نام خود را سر زبان ها انداخت. «العربیه همه کشورهای خاورمیانه، آسیا و اقیانوس آرام، آفریقای شمالی، اروپا، آمریکا و استرالیا را پوشش می دهد» (همشهری آنلاین، ۱۳۸۷).

نخستین متنی که از شبکه العربیه انتخاب و تحلیل شد، مربوط به خبری درباره میزان پایبندی اتحادیه اروپا به برجام پس از خروج امریکا است.

۵-۱. آمریکاییون و اروپاییون و ایران

تاریخ النشر: الأحد ۲۰ مايو ۲۰۱۸

محاولات الأوربيين تظمين إيران بتحقيق مصالحها، بعد خروج الولايات المتحدة من الاتفاقية النووية، هو في النهاية تظمينات ستفشل قطعاً، فالأوربيون يرتبطون مع الولايات المتحدة بعلاقات اقتصادية قوية، و ذات أولوية، و هي كما تقول الأرقام أضعاف المصالح التي تربطها بإيران، إضافة إلى أن الشركات الأوروبية الكبرى لن ترضخ لأي ضغوط من حكوماتها للتعاقدات التجارية مع الإيرانيين إذا كانت هذه التعاقدات ستستفز الأمريكيين، فضلاً عن أن أمريكا هي الدولة المسيطرة سيطرة تامة على المعاملات المالية الدولية، و ليس في مقدور أي دولة، بما فيها دول الاتحاد الأوروبي، التحديف عكس ما يفرضه الأمريكيون من قيود، هذه حقيقة يعرفها الجميع. لذلك فإن الأنباء التي تصدر عن دول

الاتحاد الأوربي، بأن هناك طريقة يقوم من خلالها الأوروبيون بحماية شركاتهم العاملة في إيران فيما لو لم يرضخوا للقيود الأمريكية، هو ضرب من كلام لا يدعمه الواقع على الأرض.

الرئيس ترامب في تقديري هو من أقوى الرؤساء الذين حكموا الولايات المتحدة بعد الرئيس ريجان، و هو كما تقول الوقائع يسعى فعلاً لا قولاً إلى إعادة هبة و هيمنة أمريكا و قوتها، و كل المؤشرات تقول إنه سينجح، كما أن إدارته تتكون من مجموعة من الصقور، الذين لم يجتمعوا قط في إدارة سابقة، و لعل ضعف و خنوع و تردد سلفه الرئيس أوباما أعطاه تميزاً واضحاً عنه، فكما يقولون: و بضدها تتميز الأشياء، و هو بلا شك نقى في كل تفاصيل سياساته و توجهاته مع الرئيس أوباما، و يحقق من النجاحات قدرًا كبيرًا، يجعل المواطن الأمريكي يشعر فعلاً أن ترامب ليس رئيسًا فحسب، و إنما زعيم بكل ما تحمله الكلمة من معنى.

و في المقابل، إيران دولة تمارس كل الموبقات السياسية في منطقة الشرق الأوسط،... و الأوروبيون رغم اختلافهم مع الولايات المتحدة في قرار انسحابه من الاتفاقية النووية، يتفقون مع الرئيس ترامب في نظرتهم لمطالب هذه الاتفاقية،... و في تقديري أنهم سيقون نظريًا ضمن الاتفاقية، لكنهم سيسعون إلى الضغط على إيران...، و ليس في يد إيران في النهاية إلا الرضوخ، و إلا فإن الحصار الأمريكي سيختمها اقتصاديًا، بالشكل الذي يلغي شيئًا اسمه الجمهورية الإسلامية في نهاية المطاف. و في رأيي أن الست أشهر التي منحتها الحكومة الأمريكية للشركات العاملة في إيران لتسوية أوضاعها، هي من زاوية أخرى مهلة لإيران للتعامل العقلاني مع المأزق الذي وضعها فيه الرئيس ترامب، بعد انسحابه من الاتفاقية.

و من يقرأ وضع إيران الحالي، فلن يجد أمامها من خيارات إلا الإذعان، فالأوراق جميعها في يد الولايات المتحدة، و كل المؤشرات التي تلوح في الأفق تؤكد أنها عازمة على تقليص أظافرها من خلال العقوبات الاقتصادية الخانقة، وقد بدأت هذه العقوبات بحصار أذرعتها في المنطقة، وهذه الأذرع سواء تلك الموجودة في لبنان أو سوريا أو العراق أو اليمن، إذ لم تجد تمويلًا ماليًا، ستضعف ثم تدبيل وتموت، خاصة إذا أخذنا في الاعتبار أن العقوبات الاقتصادية ستستنزف الاحتياطات الإيرانية، ما يجعل قدرتها على التحدي والصمود والمكابرة لن تطول كثيرًا، وبالتالي لن تستطيع الحفاظ على تمويل ميليشياتها وأعمالها العدائية في المنطقة العربية؛ وهذا في تقديري ما يخطط له الأمريكيون، ويعملون بجد على تنفيذه.

والسؤال: إلى متى سيصمد الإيرانيون؟.. لا أدري على وجه التحديد، أما الذي أنا متأكد منه، أنه ليس أمام إيران إلا خياران لا ثالث لهما، إما المكابرة ومن ثم السقوط الحتمي، أو الإذعان والنجاة.

اكنون با واکاوی این متن خبری، به بررسی این موضوع خواهم پرداخت که شبکه العربیه از چه ظرفیت های زبانی برای رسیدن به اهداف رسانه ای خود استفاده کرده است.

۵-۱. دقت در انتخاب واژگان

در مورد اینکه رسانه‌ها در انجام مأموریت خود بی‌طرف هستند یا خیر، در حوزه‌های تجربی و تئوریک مطالعات رسانه‌ای دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. گروهی از فعالان رسانه بر این باورند که رسانه متبوع آن‌ها بی‌طرف است یا تلاش می‌کند که در پوشش اخبار بی‌طرف باشند؛ اما در عین حال آن‌ها این موضوع را هم تأیید می‌کنند که در پوشش برخی از رویدادها از تکنیک‌هایی نظیر برجسته‌سازی^۱، تحریف^۲، سانسور^۳، تناقض‌گویی^۴، ابهام^۵ و... نیز استفاده می‌کنند و استفاده از هریک از این تکنیک‌ها، موضوع بی‌طرفی رسانه‌ها را به مناقشه می‌کشاند و نشان می‌دهد که رسانه‌ها در انتقال پیام موردنظر خود خنثا نیستند؛ بلکه به‌طور هدفمند به انتقال پیام اقدام می‌کنند.

یکی از روش‌هایی که رسانه‌ها برای پنهان کردن بی‌طرفی خود از آن استفاده می‌کنند انتخاب واژگان است؛ بدین منظور آن‌ها واژه‌هایی را در متون خبری خود به کار می‌گیرند که با استفاده از آن، احساسات و جهت‌گیری مخاطبان خود در قبال آن موضوع را مدیریت کنند.

چینش هدفمند و هوشمندانه واژه‌هایی نظیر «ستفشل، ستستفز، الدولة المسيطرة، ليس في مقدور...» لا يدعمه الواقع، سينجح ترامب، المواقف السياسية، اختلاف، الضغط على إيران، ليس في يد إيران...، الحصار الأمريكي، سيخفقها اقتصادياً، المأزق، تقليص أظافرها، العقوبات الاقتصادية الخائفة، ستضعف، تدبّل، تموت، ستستزف، لن تستطيع وال سقوط الختمي» سبب شده تا با برجسته‌شدن نکته‌های منفی درباره ایران، پیام‌های ناامیدکننده‌ای به مخاطبان مخابره شود. مخاطبی که این خبر را مطالعه می‌کند ده‌ها واژه منفی در ضمیر ناخودآگاه او رسوب می‌کند و درباره ایران دچار یأس و ناامیدی می‌شود.

در ورای تیتراژ این خبر نیز پیام‌هایی پنهان برای مخاطب وجود دارد، نویسنده این خبر، با انتخاب این تیتراژ نشان داد که چطور می‌شود با بهره‌گیری از واژگان، معنای موردنظر خود را به مخاطب عرضه کرد بدون اینکه مخاطب متوجه سوگیری و جانبداری او در این خبر شود. با وجود اختلافاتی که بین آمریکا و کشورهای اروپایی درباره برجام وجود دارد و همه کشورهای اروپایی بر پابندی خود به این معاهده بین‌المللی تأکید دارند و خواهان حفظ برجام هستند؛ اما نویسنده بر اساس آنچه ون دایک می‌گوید با کم‌اهمیت نشان دادن این اختلافات و برجسته کردن اتحاد آمریکا و اروپایی‌ها، سعی در القای معنای موردنظر خود دارد. او در تیتراژ خبر (الأمريكيون و الأوروبيون و إيران) دو واژه آمریکا و اروپا را به صورت جمع به کار برده، اما واژه

ایران را به‌صورت مفرد به کار گرفته است. این نویسنده با به‌کارگیری این واژگان درنظر دارد دو پیام را به مخاطب خود منتقل کند، نخست، اروپایی‌ها و امریکایی‌ها را کشورهای متحد و یکپارچه نشان دهد؛ دوم، انزوا و تنهایی ایران را به‌صورتی زیرکانه برای مخاطب خود به‌تصویر بکشد و این پیام را به مخاطب القا کند که اروپایی‌ها سرانجام ایران را رها می‌کنند و جانب امریکا را خواهند گرفت. پژوهشگران دیگری نیز به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های بین‌المللی و اغلب غربی در انعکاس اخبار ایران تلاش می‌کنند ایران را به‌گونه‌ای تنها و منزوی به نمایش درآورند و کنشگران غربی را مجموعه‌ای منسجم و متحد به تصویر کشند (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶).

استفاده از واژه «زعیم» برای ترامپ نیز یکی از واژه‌هایی است که بر اساس نظریه ون‌دایک با هدف برجسته‌سازی و بسیار زیرکانه انتخاب شده است. پس از خروج امریکا از برجام، اتحادیه اروپا با این تصمیم ترامپ مخالفت و اعلام کرد که به برجام پایبند است. درمحافل سیاسی و رسانه‌ای جهان بحث بر سر این موضوع همچنان ادامه دارد که آیا اروپایی‌ها قادرند بدون حضور امریکا در عمل به برجام پایبند باشند؟ یا اینکه ترامپ آن‌ها را به همراهی با امریکا مجاب خواهد کرد؟

شبکه العربیه برای پاسخ به این پرسش‌ها بر اساس نظریه ون‌دایک چند ویژگی رئیس‌جمهور امریکارا برجسته و در توصیف وی از واژه‌هایی نظیر «أقوی الرؤساء، يسعى فعلاً لا قولاً، إنه سينجح، ليس رئيساً فحسب وإنما زعيم» استفاده کرده است، واژه «زعیم» به‌معنای رهبر است و در علم مدیریت تفاوت عمده‌ای بین «رئیس و رهبر» وجود دارد. «برخی از اندیشمندان علوم انسانی رهبری را توانایی ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه جهت هدف‌های معین می‌دانند و برخی نیز به تحت تأثیر قراردادن دیگران جهت کسب هدف مشترک، رهبری می‌گویند» (رضائیان، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

شبکه العربیه درحقیقت با انتخاب واژه «زعیم» برای ترامپ تلاش کرد ویژگی‌های او را برجسته کند و در پی القای این مفهوم است که ترامپ توانایی ترغیب دیگران و تحت‌تأثیرقرار دادن آن‌ها برای تحقق اهداف موردنظر را دارد و قطعاً او نهایت تلاش خود را به‌عنوان یک رهبر به‌کار خواهد گرفت تا اتحادیه اروپا را ترغیب کند که از حمایت ایران دست بردارد.

کثرت استفاده از حرف «سین» بر سر فعل مضارع (ستفشل، ستستفز، سینجح، ستضعف و ستستزف) که در ورای خود دارای معنای تأکید است و «بر تحقق وقوع امری در آینده نزدیک دلالت دارد»

(السامرائی، ۱۴۳۴ق: ۲۱/۴) نشان از این دارد که شبکه العربیه مطمئن است در آینده نه‌چندان دور تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حمایت از ایران با شکست مواجه خواهد شد و موفقیت رئیس‌جمهور امریکا در اجرای برنامه‌های خود ضد ایران حتمی است.

این متن براساس نظریه ون‌دایک تلاش‌های اروپایی برای حفظ برج‌ها را به حاشیه برده و کم‌رنگ و تلاش‌های رئیس‌جمهور امریکا را برجسته کرده است.

نویسنده این متن خبری هرگاه بخواهد کاری را به ترامپ نسبت دهد از حرف «سین» استفاده می‌کند تا محقق‌شدن آن را حتمی بداند؛ اما در مقابل هرگاه در نظر دارد که درباره ایران سخن بگوید از حرف «لن» استفاده می‌کند (لن ترضخ، لن تطول، لن تستطیع ولن تجد) تا با به‌کارگیری آن، تلاش‌های ایران برای تحقق آن را به حاشیه ببرد و محقق‌نشدن آن اقدام را درباره ایران به مخاطب القاء کند.

استفاده از الفاظی مانند «کل و جمیع» که از ادات تأکید هستند نیز یکی دیگر از شیوه‌هایی است که با هدف انتقال معنای موردنظر به مخاطب در این متن به‌کار گرفته شده است (عرفها الجميع، کلّ المؤثرات، زعيم بكل ما تحمله الكلمة من معنى، كلّ المؤثرات السياسية، الأوراق جميعها في يد الولايات المتحدة). نویسنده با به‌کارگیری این ادات تأکید در جای‌جای متن در پی القای این پیام است که به گفته ون‌دایک پیام موردنظر خود را برجسته کند و بگوید شکی در محتوای این خبر نیست.

۵-۱-۲. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

جملات اسمیه دارای بار اقناعی و برطرف‌کننده شک است (عکاشه، ۸۲:۲۰۰۵). نویسنده با انتخاب جملاتی نظیر «محاولات الأوروبيين ستفشل، إنّ الشركات الأوروبية الكبرى لن ترضخ لأيّ ضغوط من حكوماتها، أمريكا هي الدولة المسيطرة، هذه حقيقة يعرفها الجميع، الرئيس ترامب من أقوى الرؤساء الأمريكية و...» در تلاش است با استفاده از ظرفیت‌های زبانی، بر اساس آنچه ون‌دایک می‌گوید ضمن به حاشیه بردن تلاش‌های اروپایی‌ها در حفظ برج‌ها و کم‌رنگ کردن نتایج این تلاش‌ها، قدرت امریکا را برجسته و این پیام را به مخاطب منتقل کند که در پذیرش این موضوعات، تردیدی به خود راه ندهد و پیام مورد نظر این رسانه را بپذیرد.

۵-۱-۳. تکرار

تکرار یک کلمه در متن خبری، مخاطب را نسبت به آن کلمه حساس و توجه او را به تفکر بیشتر درباره آن جلب می‌کند. «تکرار بر اندیشه مخاطب تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود تا معنای کلمه موردنظر در اعماق ضمیر ناخودآگاه انسان حک شود، لذا با گذر زمان در ذهن مخاطب تثبیت شده و پذیرفته می‌شود» (بدوی احمد، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

فقط واژه‌ها نیستند که در ورای تکرار هدفمند آن‌ها حرف‌ها برای گفتن وجود دارد؛ بلکه در ورای تکرار هدفمند حروف نیز می‌تواند فلسفه‌ای وجود داشته باشد. حرف «واو» از حروفی است که در این متن تکرار شده است و تلفظ آن «به‌خاطر بیرون‌راندن هوا از دهان، معنای حرکت به جلو را می‌رساند و برای تحریک و به‌هیجان‌آوردن مؤثر پدیده‌ها به‌کار می‌رود» (بلوخی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

نویسنده با علم به اینکه حرف «واو» در این متن می‌تواند با زبان بی‌زبانی با مخاطب سخن‌بگوید، از آن با هدف تحریک و به‌هیجان‌آوردن مخاطب استفاده کرده است. حتی تکرار آن در تیتیر خبر (الأمريکيون والأوروبيون وإيران) نیز برجسته شده است.

یکی دیگر از حروفی که در این متن با همین نیت استفاده شده است، حرف «قاف» است. «حرف قاف نوعی معنای برتری‌جویی، آشفتگی و اضطراب را می‌رساند» (همان: ۹۵).

نویسنده این متن با توجه دقیق به فضای متن این خبر با کثرت استفاده از حرف «قاف» تلاش کرده تا آشفتگی و اضطراب را درباره ایران و برجام برجسته و به مخاطب منتقل کند.

«از ضمیر فصل برای تقویت کلام و تأکید معنا استفاده می‌شود» (مطرجی، ۱۳۸۰: ۷۰). شبکه العربیه در این متن ضمیر فصل را در چند جا به‌کار گرفته است، «تطمین ایران هو فی النهاية ستفشل، أمريكا هي الدولة المسيطرة، أنباء الحماية هو ضرب من كلام لا يدعمه الواقع، الرئيس ترامب هو من أقوى الرؤساء». با تکرار ضمیر فصل در این عبارات این شبکه در تلاش است بر اساس آنچه ون‌دایک می‌گوید معنای مورد نظر خود را برجسته کند و تلاش‌های ایران در این عرصه را بی‌نتیجه بداند و حمایت‌های اروپایی‌ها را توخالی و دور از واقعیت بداند و به حاشیه ببرد و به مخاطبان خود بگوید که در پذیرش این خبر تردیدی نداشته باشند.

۵-۱. اسلوب قصر

استفاده از اسلوب قصر در متن با هدف تأکید است؛ یعنی نویسنده به گفته خویشتن اطمینان دارد و شکی در تحقق آن نیست، «یکی از اهداف به‌کارگیری قصر، مبالغه است» (التفتازانی، د.ت: ۱۸۱). به‌کارگیری عبارت‌هایی مانند «ليس في مقدور أي دولة أروية التحديف عكس ما يفرضه الأمريكيون، ترامب ليس رئيساً فحسب وإنما زعيم بكل ما تحمله الكلمة من معنى، ليس في يد إيران في النهاية إلا الرضوخ» بر اساس نظر ون‌دایک، با هدف مبالغه در ویژگی‌های مثبت خود و مبالغه در بیان ویژگی‌های منفی غیر به‌کار رفته است، موضوعی که «ون‌دایک» نیز از آن به‌عنوان یکی از شگردهای گفتمان‌های قدرت برای تأثیرگذاری بر مخاطب یاد می‌کند. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). نویسنده متن با استفاده از جمالاتی که قصر در آن‌ها به‌کار رفته است در تلاش است تا با کم‌رنگ نشان دادن همه تلاش‌های اروپا درباره حفظ برجام و اینکه هیچ کشوری توانایی حرکت خلاف خواسته‌های امریکا در عرصه سیاست را ندارد بگوید که این تلاش‌ها به شکست خواهد انجامید و سرانجام ایران چاره‌ای جز تسلیم در برابر خواسته‌های امریکا را ندارد.

دومین متن شبکه‌العربية درباره واکنش بازار ایران به خروج امریکا از برجام است:

۵-۲. ایران: شرارة البازار و كماشة ترامب

تاریخ النشر: السبت ۱۶ شوال ۱۴۳۹ هـ - ۳۰ يونيو ۲۰۱۸

أغلق البازار الكبير في طهران أبوابه في بدايات هذا الأسبوع للمرة الأولى منذ الاحتجاجات التي مهدت لثورة ۱۹۷۸-۱۹۷۹، وإذا كان الغضب يتصل بتهاولي العملة الإيرانية بالقياس للدولار، إلا أنه يأتي في سياق حراك شعبي عميق بدأ في أواخر العام الماضي ولم يهدأ رفضاً لسياسات الحكم الخارجية وللأوضاع الاجتماعية والاقتصادية المتردية.

وليست مصادفة أن يترافق ذلك مع سلسلة الضغوط الأميركية منذ قرار الرئيس دونالد ترامب الانسحاب من الاتفاق النووي، ووضع إستراتيجية مزدوجة من أجل احتواء النشاط الإقليمي للنظام الإيراني والسعي لتغيير سلوكه. هكذا توشّر مسارات “الجمهورية الإسلامية” في الداخل والخارج إلى منحى انحداري، وتلوح في الأفق نهاية “الحقبة الإيرانية” أو “العصر الإيراني” في الشرق الأوسط الذي بدأ فعلاً لناحية التمدد الإقليمي مع الدخول الأميركي إلى بغداد في العام ۲۰۰۳...

يتنبه كل مراقب للشأن الإيراني إلى أهمية وتداعيات غضب روابط ورجال البازار، حيث إنّ تضافهم إلى جانب رجال الدين وعمّال النفط كان من العوامل الحاسمة في سقوط الشاه.

ولذا يحاول القائمون على الحكم تقديم رواية مختلفة عن أحداث بازار طهران في الأيام القليلة الماضية، حيث أعلن المدعي العام، عباس جعفری دولت آبادی، أن «مثيري الاضطرابات ليسوا من أهل السوق»، لكن الشهود والمصادر المستقلة أكدوا عكس ذلك لأن تحركات هذا القطاع كانت عفوية رداً على وصول سعر الدولار إلى تسعة آلاف تومان (أي ضعف سعره مقارنة بنهاية العام الماضي) واختفاء اليورو وصعوبات شراء السلع وتحريك الدورة الاقتصادية.

واللافت للنظر احتدام التضخم واختيار سعر العملة الوطنية قبل البدء بتطبيق العقوبات الاقتصادية الأميركية في أغسطس القادم، وقبل طلب واشنطن من الدول الأخرى الامتناع عن استيراد النفط الإيراني ابتداء من نوفمبر القادم. ويعزو الكثير من الخبراء هذا التدهور إلى استمرار الإنفاق الإيراني على العمليات الخارجية من سوريا إلى اليمن، وكذلك بسبب الفساد وعدم الشفافية وسيطرة الحرس الثوري الإيراني على مرافق الاقتصاد، مما زاد أيضاً من نقمة أهل بازار. والأدهى يتمثل في الحجم الكبير للأموال المهربة إلى الخارج.

بطل التردّي الاقتصادي أكثر من ۴۳ بالمئة من الإيرانيين الذين يعيشون تحت خط الفقر... زيادة على ذلك، تسعى إدارة الرئيس ترامب إلى وضع الحكم الإيراني بين فئتي كماشة الضغوط الخارجية والاهتزاز الداخلي، ويبدو أن هذه الإستراتيجية المنسقة تتصاعد فصولاً، وأن الدعم الأوروبي للاتفاق النووي لم يمنع أهم الشركات الأوروبية من مغادرة إيران خشية من العقوبات الاقتصادية الأميركية. إزاء التحدي الترامبي والزلازل الداخلي الكامن يطرح البعض من النافذين تحميل الرئيس حسن روحاني المسؤولية، ويقال إن الحرس الثوري أخذ يطرح أسماء بديلة له. ...

این شبکه برای تأثیرگذاری بر مخاطب شیوه‌های زیر را به کار گرفته است:

۵-۲-۱. دقت در انتخاب واژگان

دقت در انتخاب واژگان و عبارت‌های مناسب بافت موقعیتی یکی از ویژگی‌های متون خبری در شبکه العربیه است.

نویسنده این متن خبری در همان سطر نخست خبر، از واژه «أبواب» استفاده کرده است (أغلق البازار أبوابه). این شبکه با انتخاب این واژه و با استفاده از تکنیک برجسته‌سازی در پی القای این معنا به مخاطب است که همه بازاریان دست به اعتصاب زده‌اند و بازار تهران تعطیل است تا ناامیدی و نگرانی را به مخاطب منتقل کند.

شبكة العربیه هنگامی که از نوسانات اقتصادی در ایران سخن می‌گوید از فعل مضارع

«بطل» استفاده می‌کند، «استفاده از فعل مضارع یعنی موضوعی که متن به آن اشاره می‌کند، تداوم خواهد داشت» (ظهیری، د.ت، ۲۴۳). این شبکه نیز با انتخاب این فعل به دنبال این است تا با برجسته کردن حوادث بازار ایران به مخاطبان خود القاء کند که این نوسانات ادامه خواهد یافت.

کثرت استفاده از واژگانی که ناآرامی در بازار را به تصویر می‌کشد، یکی از راه‌های شبکه‌العربیّه برای انتقال معنایی خاص به مخاطب است. این شبکه با به کارگیری واژگانی نظیر «غضب، حراك، رفض، اضطرابات، تحركات وتدهور» تلاش کرده است بازار ایران را پراضطراب به تصویر بکشد تا مخاطبی که این خبر را می‌خواند، تصویر ناخوشایندی از بازار ایران در ذهنش تداعی شود.

۲-۵. تکرار

تکرار مانند ضربه‌های پی‌پی‌چکش است که سرانجام میخ را به داخل می‌راند. بنابراین «فرستنده پیام امیدوار است که این شکل از ضربه زدن مداوم، باعث دریافت نکات پیام شود» (خلیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۲).

نگاهی به این متن شبکه‌العربیّه درباره بازار ایران بیانگر این واقعیت است که این رسانه با تکرار برخی از واژگان مانند «احتجاج، بازار، غضب البازار، المظاهرات، الحرس الثوري» می‌خواهد برخی از واژه‌ها را دو یا چندبار به مخاطب گوشزد کند که از کنار هم چین این کلمات معنای موردنظر شبکه با استفاده از مهارت برجسته‌سازی به مخاطب منتقل شود.

۲-۵. تضاد

از آنجا که متن شبکه‌العربیّه درباره نوسانات بازار ایران و اعتصاب بازاریان است، این شبکه برای به تصویر کشیدن این نوسانات و تضاد موجود بین بازاریان و حاکمیت از واژگان متضاد استفاده می‌کند.

«ارتباط میان دو کلمه متضاد از واضح‌ترین چیزها جهت تداعی معانی در ذهن مخاطب است» (عمر احمد، ۱۹۹۸: ۲۰۹). نویسنده متن با استفاده از واژه‌هایی مانند «صعود وسقوط، داخل وخارج، الخارجي والداخلي، التصعيد والتهوي، نشاط وتوقف، فتح وإغلاق» در تلاش است تا دوگانگی‌های موجود در

ایران را برجسته کند و زیرکانه برای مخاطب به نمایش بگذارد.

۴-۲-۵. اغراق و بزرگنمایی

استفاده از قیدهایی چون «للمرة الأولى، حراك شعبي عميق، للأوضاع الاجتماعية والاقتصادية المتعدية، منحنى انحداري، وتلوح في الأفق نهاية» الحقبه الإيرانية «كماشة الضغوط الخارجية» باعث بزرگنمایی مشکلات و رساندن مقصود موردنظر نویسنده می‌شود.

۶. تحلیل متون خبری شبکه المنار

شبکه المنار شبکه اطلاع رسانی و رسانه‌ای حزب الله لبنان است (بنین، ۱۴۳۵: ۵۲). این شبکه نیز مانند همه رسانه‌های خبری، شیوه‌های گوناگونی برای تأثیرگذاری بر مخاطب و همراه کردن او با سیاست‌های رسانه‌ای خویش دارد، یکی از شیوه‌های این شبکه، استفاده از ظرفیت‌های زبان-شناسی برای تأثیرگذاری بر مخاطب و همراه کردن او با سیاست‌های رسانه‌ای خویش است. نخستین متنی که از این شبکه برای تحلیل استفاده شد، مربوط به واکنش اوپاما رئیس-جمهور سابق امریکا به خروج ترامپ از برجام است.

۶-۱. اوپاما: انسحاب ترامپ من الاتفاق النووي الإيراني «خطأ فادح»

9 May, 2018

أعرب الرئيس الأميركي السابق باريك أوباما عن أسفه لقرار خلفه دونالد ترامب الثلاثاء الانسحاب من الاتفاق النووي الإيراني، معتبرا هذا القرار «خطأ فادحا» من شأنه أن ينال من صدقية الولايات المتحدة في العالم. وقال أوباما في بيان «أعتقد أن قرار تعريض خطة العمل الشاملة المشتركة للخطر من دون أن تكون قد انتهكت من جانب الإيرانيين هو خطأ فادح».

و أضاف الرئيس السابق الذي قلما يدلي بتصريحات منذ خروجه من البيت الأبيض أن «الولايات المتحدة قد تجد نفسها في نهاية المطاف أمام خيار خاسر بين إيران تمتلك سلاحا نوويا أو حرب أخرى في الشرق الأوسط». وشدد الرئيس الديمقراطي السابق على أن «الحقيقة واضحة»، معتبرا أن الاتفاق الذي هو «نموذج على ما يمكن للديمقراطية أن تحقّقه» يحقق النتائج المتوخاة منه و «هو في مصلحة أميركا». وأعرب أوباما أيضا عن أسفه لأن قرار ترامب يعني إدارة الولايات المتحدة ظهرها «لأقرب حلفاء أميركا».

وَأَضَافَ «فِي نِظَام دِيمُوقْرَاطِي، هُنَاكَ دُومَا تَغْيِيرَات فِي السِّيَاسَةِ وَالْأُولُويَّة مِنْ إِدَارَةِ إِلَى أُخْرَى، وَلَكِنْ أَنْ نَضْرِبْ بَعْضَ الْحَائِظَاتِ الْإِتِّفَاقَاتِ الَّتِي وَقَعَ عَلَيْهَا بِلَدُنَا هُوَ أَمْرٌ يَهْدِدُ بِالنَّيْلِ مِنْ مِصْدَاقِيَّةِ الْوِلَايَاتِ الْمُتَّحِدَةِ». وَشَدَّدَ أُوْبَامَا عَلَى ضَرُورَةِ أَنْ «تَرْتَكِرَ النِّقَاشَاتُ فِي بِلَدُنَا إِلَى الْوَقَائِعِ». فِي انْتِقَادٍ وَاضِحٍ لَخَلْفِهِ الْجُمْهُورِيِّ. وَكَانَ تَرَامْبُ أَعْلَنَ فِي وَقْتٍ سَابِقٍ الثَّلَاثَاءِ انْسِحَابَ الْوِلَايَاتِ الْمُتَّحِدَةِ مِنَ الْإِتِّفَاقِ النَّوَوِيِّ مَعَ إِيرَانَ الَّذِي وَصَفَهُ بِـ «الْكَارْثِي»، وَإِعَادَةَ الْعَمَلِ بِالْعُقُوبَاتِ الْأَمْرِيكِيَّةِ عَلَى طَهْرَانِ. شَبْكَةُ الْمَنَارِ بَرَأَى تَأْثِيرَ كُذَّارِي غَيْرِمُسْتَقِيمٍ بِرِ مَخَاطِبَانِ خُودِ أَنْ شَبُوهَايَ زِيرِ اسْتِفَادَةِ كُودِهِ اسْت:

۱-۶. دقت در انتخاب واژگان

یکی از ویژگی‌های این متن استفاده هدفمند از واژگان مثبت و منفی در راستای تأمین اهداف متن است. در این خبر هنگام صحبت دربارهٔ برجام و ایران چنان واژگان مثبت در کنار هم چیده شده است که از کنارهم قرارگرفتن این واژه‌ها احساس خوشایندی به مخاطب دست می‌دهد و درمقابل با استفاده از واژگانی که نتیجهٔ آن انتقال نگرانی و ترس به مخاطب است، تلاش می‌کند با به‌کارگیری واژگان منفی در این زمینه به هدف خود برسد که همان هشدار به سران و مردم امریکا دربارهٔ عواقب خروج امریکا از برجام است. مخاطبی که این متن را می‌خواند نسبت به خروج امریکا از برجام موضعی منفی خواهد گرفت که در راستای اهداف شبکهٔ خبری نزدیک به ایران یعنی المنار لبنان است. در این خبر که از زبان باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق امریکا بیان شده است، ویژگی‌های مثبت برجام برجسته و از آن به‌عنوان یک معاهدهٔ بین‌المللی، حاصل تلاش‌های دیپلماتیک، به مصلحت امریکا و تقویت‌کنندهٔ صلح بین‌الملل یاد شده که ایران به آن پایبند بوده است؛ پایبندی ایران به این معاهدهٔ بین‌المللی که از زبان رئیس‌جمهور سابق امریکا به آن اشاره می‌شود یک امتیاز مثبت برای ایران است و به نظر اوباما نتیجهٔ خروج ترامپ از برجام، دستیابی ایران به سلاح اتمی یا وقوع یک جنگ دیگر در خاورمیانه است که هر دو به ضرر امریکا است. یکی دیگر از ظرافت‌های موجود در انتخاب واژگان این متن این است که به جای «خروج امریکا از برجام» از عبارت «خروج ترامپ از برجام» استفاده و از این خروج به عنوان خطایی بزرگ یاد می‌شود. این شبکه با انتخاب واژهٔ «ترامپ» به جای امریکا سعی در القای این معنا

دارد که اختلاف نظر امریکایی‌ها را دربارهٔ برجام برجسته کند و بگوید خروج امریکا از برجام تصمیم ترامپ است و همهٔ امریکایی‌ها موافق با آن نیستند.

یکی از واژه‌هایی که در راستای اهداف رسانه‌ای شبکهٔ المنار در این متن قرار گرفته، استخدام ضمیر «هو» در پاراگراف چهارم متن است، که دوبار از این ضمیر استفاده شده است و مرجع هردو ضمیر «برجام» است. در این عبارت به راحتی می‌شد از اسم‌های اشارهٔ «هذا و ذلك» به جای ضمیر استفاده کرد؛ اما شبکهٔ المنار با انتخاب این ضمیر قصد داشت با استفاده از ابزار حاشیه‌رانی، خروج امریکا را کم‌رنگ نشان دهد و این نکته را به مخاطبان خود گوشزد کند که با وجود خروج امریکا از برجام، این معاهده همچنان زنده است.

نکته دیگری که در راستای انتخاب هدفمند واژگان، می‌شود به آن اشاره کرد، این است که در متن دوبار از حرف «قد» استفاده شده است: یک بار برای نقض نشدن برجام از سوی ایران که حرف «قد» با فعل ماضی آمده است و یکبار نیز برای دستاورد خروج امریکا پس از خروج ترامپ از برجام که حرف «قد» در این عبارت با فعل مضارع ذکر شده است. «حرف "قد" با فعل ماضی غالباً برای تحقیق و تأکید و با فعل مضارع غالباً برای تقلیل به کار می‌رود» (الشترتونی، ۱۳۷۴: ۲۲۱/۳).

هرگاه قد با فعل ماضی همراه شود این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند که در انجام این فعل تردیدی وجود ندارد. براین اساس، متن در پی القای این نکته است که با برجسته کردن پایبندی ایران به برجام به مخاطب خود بگوید ایرانی‌ها صد درصد به برجام که یک معاهدهٔ بین‌المللی است، پایبند بودند؛ اما در مقابل، آمدن «قد» با فعل مضارع برای خروج ترامپ از برجام با هدف حاشیه‌رانی و بی‌فایده دانستن آثار این خروج برای مردم امریکاست؛ زیرا او با تردید دارد که این تصمیم ترامپ دستاوردی برای مردم امریکا داشته باشد.

۶-۲. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

یکی از موضوعات مهم در چنین متن‌هایی جملات اسمیه یا فعلیه از سوی رسانه‌ها در راستای اهداف مورد نظر متن است. جملهٔ عنوان تیتراژ این متن، اسمیه است (انسحاب ترامپ من الاتفاق النووي الإيراني خطأ فادح). «جملهٔ اسمیه دارای بار اقتناعی و برطرف‌کنندهٔ شک است» (عکاشه، ۱۴۰۰: ۸۲) و به مخاطب این اطمینان را می‌دهد که برای خواندن خبر و پذیرش آن هیچ شکی به خود راه ندهد.

جملات فعلیه اما بار معنایی دیگری دارند و انتخاب آن‌ها با اهداف دیگری انجام می‌شود. «جملات فعلیه به سبب زمان‌مند بودن دلالت بر تحرک و فعالیت دارند» (همان: ۸۳). کثرت استفاده از جملات فعلیه در این متن خبری با هدف برجسته کردن دغدغه‌های اوپاما، بیانگر فعالیت‌های اوپاما برای حفظ برجام و حکایت از تلاش‌های او برای بازگشت ترامپ به این معاهده بین‌المللی دارد.

۶-۱-۳. تکرار

همانگونه که بیان شد از تکرار کلمات برای جلب توجه مخاطب استفاده می‌شود. رسانه‌ها تلاش می‌کنند با تکرار برخی از واژه‌ها اهمیت آن را به مخاطب گوشزد کنند. در این متن واژه‌ها و عبارتهایی مانند «خطأ فاح، تهدید صدقیه الولايات المتحدة، شد، الولايات المتحدة و آمریکا» تکرار شدند تا سبب توجه بیشتر مخاطب به معنا شوند. متن دیگری که از شبکه المنار برای تحلیل انتخاب شده مربوط به افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و ظرافت‌های زبانی برای استفاده از این خبر با هدف تأمین اهداف رسانه‌ای این شبکه است.

۶-۲. النفط يقفز أكثر من ۲٪ بعد انسحاب أمريكا من اتفاق إيران النووي

۹ May، 2018

ارتفعت أسعار النفط أكثر من اثنين بالمئة لتصل إلى أعلى مستوى لها في ثلاثة أعوام و نصف العام يوم الأربعاء بعدما انسحب الرئيس الأمريكي دونالد ترامب من اتفاق نووي دولي مع إيران، و هي خطوة من المرجح أن تحد من صادرات الدولة العضو في منظمة أوبك من الخام في سوق يعاني بالفعل شح المعروض. و أعلن ترامب مساء الثلاثاء انسحاب الولايات المتحدة من الاتفاق المبرم عام ۲۰۱۵، مما يزيد مخاطر الصراع في الشرق الأوسط ويثير حالة من عدم اليقين بشأن إمدادات النفط العالمية. و ارتفع خام القياس العالمي إلى ۷۵.۷۶ دولار للبرميل إلى أعلى مستوى خلال جلسة يوم الأربعاء مسجلاً أفضل أداء له منذ نوفمبر تشرين الثاني ۲۰۱۴. وكان بلغ ۷۶.۶۶ دولار للبرميل في الساعة ۱۳۷ بتوقيت جرينتش، مرتفعاً ۱.۸۱ دولار أو ما يعادل ۲.۴ في المئة عن آخر إغلاق له. و صعدت العقود الآجلة لخام غرب تكساس الوسيط الأمريكي ۱.۵۱ دولار، أو ما يعادل ۲.۲ بالمئة، إلى

۷۰.۶۱ دلار للبرمیل لبقرب أیضا من أعلى مستوياته منذ أواخر ۲۰۱۴.

و قال وليم أولافلين المحلل الاستثماري في ريفكين سيكيوريتيز الاسترالية ”الحدث الأكبر الليلة هو إلغاء الرئيس ترامب الاتفاق النووي المبرم مع إيران عام ۲۰۱۵. وبالتالي (من المرجح) أن تُفرض العقوبات مرة أخرى على إيران وهو ما سيؤثر قطعاً على صادراتها النفطية“.

و إذا أعاد ترامب العمل بالعقوبات الأمريكية الرئيسية، فسيُتبعين عليه بموجب القانون الأمريكي الانتظار ما لا يقل عن ۱۸۰ يوماً لفعل ذلك ما لم يجر التوصل إلى اتفاق ما آخر قبل انتهاء تلك المدة.

و قال محللون في (آر.بي.سي كابينال ماركس) إن صادرات إيران قد تنخفض بواقع ۲۰۰ ألف إلى ۳۰۰ ألف برميل نتيجة لذلك. بيد أن مسؤولين إيرانيين قالوا إن صناعة بلادهم النفطية ستواصل التطور حتى إذا انسحبت واشنطن من الاتفاق النووي.

در این متن شبکه‌ی المنار نیز از شیوه‌های مختلف زبان‌شناسی استفاده شده تا اهداف موردنظر این شبکه محقق شود.

۶-۲-۱. دقت در انتخاب واژگان

این متن با کثرت استفاده از واژگان منفی مانند «ارتفاع أسعار النفط، مخاطر الصراع، صعود سعر عقود النفط وانسحاب الرئيس الأمريكي» در تلاش است تا عواقب خروج آمریکا از برجام را برای مخاطبان خود برجسته کند. هنگامی که واژه‌های منفی موجود در متن، مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل می‌شوند، خروجی آن ارسال پیامی نگران‌کننده به مخاطب است که این تصمیم آمریکا قیمت نفت را افزایش می‌دهد.

اقتصاد اروپا و بسیاری از کشورهای واردکننده نفت با افزایش قیمت آن دچار آسیب خواهد شد. «افزایش قیمت نفت همچنین می‌تواند سیاست‌های پولی برخی از کشورها نظیر تایلند، اندونزی، فیلیپین و آفریقای جنوبی را نیز سریعاً تحت تأثیر قرار دهد» (العالم، ۱۳۹۷).

استفاده از واژه «أعلى مستوى» نیز سند دیگری است که شبکه‌ی المنار برای تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان به کار گرفته است تا بر اساس آنچه ون دایک در نظریه برجسته‌سازی می‌گوید آثار خروج ترامپ از برجام را برجسته و معنای موردنظر خود را به او القا کند. این عبارت که قیمت نفت به بالاترین میزان خود در سه سال ونیم گذشته رسیده است، پیامی را روایت می‌کند که مدنظر صاحبان شبکه است.

واژه «مخاطر الصّراع» نیز علاوه بر اینکه از خطرات و هزینه‌های جنگ در خاورمیانه سخن می‌گوید دارای یک پیام پنهان به مردم امریکا نیز هست که در صورت وقوع جنگ، جان سربازان امریکایی که فرزندان آنها هستند در معرض خطر قرار می‌گیرد.

حرف «قد» در این خبر برای ایران با فعل مضارع به‌کار رفته است که دربردارنده شک و تردید و کاهش قطعیت آن است. شبکه المنار با بیان این جمله که «صادرات ایران قد تنخفض» در تلاش است تا اثرگذاری تحریم‌ها بر صادرات نفت ایران را کم‌رنگ سازد و در تأثیرگذاری آن تردید ایجاد کند.

۲-۲-۶. استفاده از جملات اسمیه و فعلیه

در تیتراژ این خبر نیز از جمله اسمیه استفاده شده است تا به مخاطبان آن گفته شود این رسانه به آنچه می‌گوید اطمینان تام دارد و نسبت به آنچه در متن خبر می‌آید، تردیدی وجود ندارد و گویا امری ثابت است.

کثرت استفاده از جملات فعلیه مانند «ارتفع، یزید، صعد» نیز که بر تحرک و فعالیت دلالت دارند، در این متن از نوسانات قیمت نفت حکایت می‌کنند که پس از خروج امریکا از برجام در این بازار به‌وجود آمده است.

۲-۲-۳. تکرار

تکرار واژه‌هایی مانند «ارتفعت، ارتفع و صعدت» در این متن در راستای معنا و مفهوم موردنظر مسئولان شبکه خبری المنار است که با تکرار این کلمات پیام موردنظر خود را بر اساس نظریه ون دایک برجسته و موضوع مهمی را به مخاطبان خود گوشزد می‌کنند که آن افزایش قیمت نفت پس از خروج ترامپ از برجام است.

۷. نتیجه

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکارهایی هستند که به‌واسطه آن دو گفتمان رسانه در شبکه‌های العربیه و المنار تلاش کردند تا با بهره‌گیری از آن، نقطه قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را پنهان کنند و بر عکس نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه ببرند و نقاط ضعف او را

برجسته کنند. هر دو شبکه از این دو تکنیک، برای القای مفاهیم موردنظر خود استفاده کردند. دقت در دو متن شبکه‌العربییه نشان می‌دهد این شبکه در اخبار مربوط به ایران از واژگان منفی زیادی در متن خود استفاده کرد تا از چینش این واژگان منفی و برجسته شدن آن‌ها، پیام مایوس‌کننده‌ای درباره ایران به مخاطب مخابره کند.

تکرار برخی از واژه‌های منفی مرتبط با ایران نظیر «مأزق، العقوبات، الولايات المتحدة، انسحاب، تمویل، بختها وخانقة» در نهایت ظرافت، مشکلات کنونی ایران درباره تحریم را به سرمایه‌گذاری سیاسی این کشور در کشورهای نظیر یمن، لبنان، عراق و سوریه پیوند می‌زند و به مخاطب خود آدرس می‌دهد که مشکل کار کجاست؟

درمقابل، شبکه المنار نیز به‌خوبی از این ابزارهای زبانی برای تحقق اهداف خود استفاده و تلاش کرد با حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی مفاهیم موردنظر خود را به مخاطب منتقل کند.

تأمل در متن خبری که در شبکه المنار از زبان اوباما بیان شده مؤید این است که چندین ویژگی منفی ترامپ در این خبر برجسته شده است و مخاطبی که این خبر را می‌خواند ترامپ را انسانی زورگو، خودخواه، ناقض معاهدات بین‌المللی، بی‌اعتنا به اصول دیپلماتیک، بی‌توجه به مصلحت امریکا، جنجال‌آفرین و ناصادق می‌یابد.

برجسته‌سازی ویژگی مثبت خودی‌ها نیز یکی دیگر از راهکارهایی است که رسانه‌ها از طریق آن تلاش می‌کنند معنا و مفهوم موردنظر خود را به مخاطب القا کنند، چینش هدفمند واژگان و استفاده بجا از حروف و افعال در راستای اهداف این خبر سبب شد تا مخاطبی که آن را مطالعه می‌کند ایران را کشوری پایبند به قوانین و معاهدات بین‌المللی، پایبند به برجام و دارای رفتاری صادق بباید.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Highlighting.
2. Marginalization.
3. Teun Adrianus van Dijk.
4. Norman Fairclough.
5. Zellig Harris.
6. Highlighting.
7. Distortion.
8. Censorship.

9. Contradiction.
10. Ambiguity.

۹. منابع

الف) منابع فارسی:

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ و رضا خیرآبادی (۱۳۹۳). *زبان شناسی خبر*. چ ۱. تهران: نشر علمی.
- _____ و همکاران (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)». *جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۱. پیاپی ۱۳. صص ۱-۱۹.
- بهرام‌پور، شعبان علی (۱۳۸۹). *مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی*. چ ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- خلیل‌زاده، مهدی (۱۳۸۸). *بازنمایی غیرواقعی در رسانه*. تهران: معاونت پژوهشی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- رضاییان، علی (۱۳۹۰). *اصول مدیریت*. چ ۲۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷). *قدرت و گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشرنی.
- «تحلیل خبری از مجله اقتصادی بلومبرگ» (۱۳۹۷). *شبکه العالم*. جمعه ۲۷ مهر.
- ظهیری، عباس (بی‌تا). *تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- معتمدنژاد، کاظم و محمد مهدی‌زاده (۱۳۸۵). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل گفتمان انتقادی "نیویورک تایمز"، "گاردین"، "لوموند" و "دی ولت"». *علوم اجتماعی*. ش ۳۶. صص ۱-۳۵.
- *همشهری آنلاین* (۱۳۸۷). «آشنایی با شبکه تلویزیونی العربیه». کد خبر ۵۳۵۳۵. پنجشنبه ۹

خرداد.

(ب) منابع عربى:

- أحمد بدوي، أحمد (٢٠٠٥). *من بلاغة القرآن*. القاهرة: نخبة مصر.
- بلوحي، محمد (٢٠٠٤). *آليات خطاب النقد العربي الحديث في مقاربة الشعر الجاهلي بحث في تجليات القراءات السياقية*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- بنين فاطمة الزهرة (١٤٣٥ق). *اعتماد الجمهور على القنوات الفضائية الإخبارية في الحصول على المعلومات حول الأزمات العربية*. رسالة الماجستير في جامعة الشهيد حمه لخضر الوادي في الجزائر.
- التفنازاني سعدالدين (د.ت). *شرح المختصر*. قم: دار الحكمة.
- الشرتوني، رشيد (١٣٧٤ش). *مبادئ العربية*. تهران: أساطير.
- السامرائي، فاضل صالح (١٤٣٤ق). *معاني النحو*. الطبعة الأولى. د.م: مؤسسة التاريخ العربي.
- عكاشة محمود (٢٠٠٥). *لغة الخطاب السياسي دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية الاتصال*. مصر: دارالنشر للجامعات.
- مختار عمر أحمد (١٩٩٨). *علم الدلالة*. الطبعة الخامسة. القاهرة: عالم الكتب.
- مطر جي، محمود (٢٠٠٠). *في النحو وتطبيقاته*. الطبعة الأولى. بيروت: دار النهضة العربية للطباعة و النشر.

References:

- “Al-ālam News Network” (2018). *Economic News analysis of Bloomberg. Economic Magazine*. 19 October 2018. [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. & R. Kheirabadi, (2014), *Linguistics of News*. Tehran: Scientific Publication.[In Persian].
- ----- (2015). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- ----- et al. (2013). “Comparative study of the representation of the Iranian and western actors in the nuclear file of iran in international media”. *Language Related Research*. Vol.4. No.1. Pp.1-19. [In Persian].

- Ahmad. B. (2005). *The Rhetoric of the Qur'an*. Cairo: Egyptian Renaissance Publications. [In Arabic].
- Al- Shartauni, R. (1995). *Basics of Arabic Language*. Tehran: Asatir Publication. [In Arabic].
- Bahrapour, Sh. (2010). *Introduction to Critical Discourse Analysis*. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian].
- Baluhi, M. (2004). *New Arab Criticism Discourse Mechanism*. Damascus: Arab Writers Union. [In Arabic].
- Fatemeh, Z. (2014). *People Trust in Satellite News Networks*. Algeria. [In Arabic].
- Hamshahri online (2008). "Introduction to Al - ārabiya Television network". Thursday. 29 may 2008. [In Persian].
- Mahdi, Kh. (2009). *An Unrealistic Representation in Media*. Research Deputy of Research and Media Planning. [In Persian].
- Mahmoud, A. (2005). *The Language of Political Discourse*. Egypt: Publishing House for Universities. [In Arabic].
- Mokhtar, A. (1998). *Semiotic Science*. CAIRO: Alam Al-ketab Publishing. [In Arabic].
- Motamednejad, K. & M. Mahdizadeh, (2006), "Iran representation in the Western press". *Journal of Social Sciences*. No.36. [In Persian].
- Motreji, M. (2000). *On Grammar of Arabic Language And Adaptations*. BEIRUT: Darlanehda Publication. [In Arabic].
- Rezaeian, A. (2011) *Principles of Management*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Saadoddin, T. (No date). *Description of Al-Mukhtasar*. Qom: Darol Hekmat Publications. [In Arabic].
- Sameraei, F. (2013). *Meanings of Arabic Grammar*. Institute of Arabic History. [In Arabic].

- Soltani, A. (2008). *Power, Discourse and Language; Mechanisms of Power in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney Publications [In Persian].
- Zahiri, A. (No date). *Analysis, Composition and Rhetoric of the Qur'an*. Qom: Boustane ketab Institution. [In Persian].